

ch : 03

**translate**

**Haycol**

**کاری از تیم**

**انیمه ساما**

**Editor**

**Rash\_man**

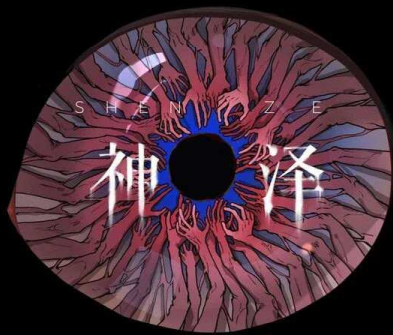
# هشدار: اشاره به خودکشی



مسئولیت ادامه دادنش با خودتونه



ظالم همیشه...)



快看! 快看漫画独家

主笔: Djade

编剧: KRE

责编: 可可菌





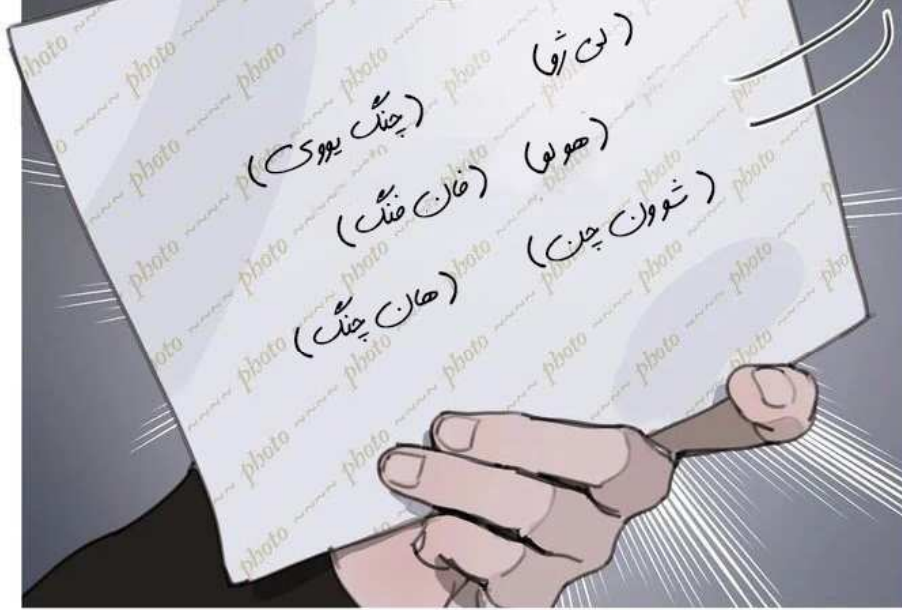


اخبار هم گفت که  
قربانی های پرونده های قبلی،  
همشون به هم  
نزدیک بودن، دوستای  
قدیمی مامان بابام...



اونا همینان؟

مثل اینکه  
تحقیقاتمو باید  
با اینا شروع کنم



تلو تلو میخورم

لعنتی،  
ران راستم  
بی حس شده...

ANIME SAMA

BANG!







این میتونه  
دفتر تحقیق سنگ  
باشه؟



تصادفیه...؟

مهم نیست.



ANIME SAMA

۲۷ سپتامبر  
...۲۰۱۲  
هیفده سال  
پیش؟



Swallows





۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲

ما بدون هیچ سختی ای به روستای سنگی رسیدیم و شروع به نند برداری کردیم.

طبق سوابق کشور، این روستا سال هاست که رها شده. جای مشکوکیه.

صدها سال پیش به شهاب سنگ بزرگ افتاد اینجا.

نوشته های بالاش خیلی عجیبین.

هدف این سفرمون پیدا کردنشه، به امید کشف های جدید.

ایمان دارم که این، دنیای فلسفه رودگرگون میکنه!



پس این واقعا به دفتر درباره ی روستای سنگیه!

۱ اکتبر ۲۰۱۲

عجیبیه، اکه اطلاعاتم درست باشه، اون شهاب سنگ قطرش ۵ متره، ولی با اینکه چند روز پیایی گشتیم، هیچ سنگی با این ابعاد پیدا نکردیم.



موقع تحقیق، فهمیدم که حتی برکه های مربوط به مناطق مسکونی هم کاملا محافظت شده بودن...

میتونه بخاطر تاثیرات شهاب سنگ باشه؟

۲ اکتبر ۲۰۱۲

به بخش بزرگ از ساکنان "لوح یادبود" داشتن.  
این شهر جایی که ورودی واقع شده،  
مردمش خیلی خرافاتین، کل روز خدا رو عبادت میکنند.

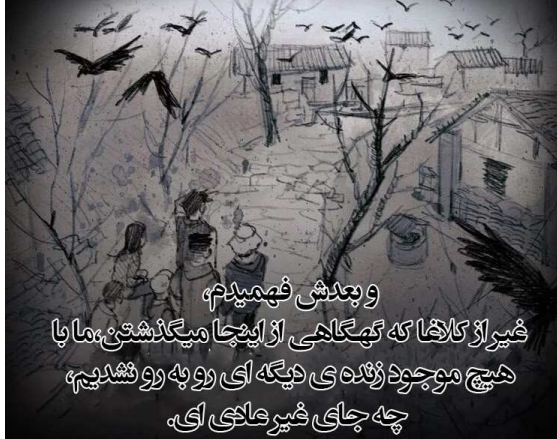
نمیدونم چیه میپرستیدن، ولی  
لوح های یادبود به بوی **خون** ناخوشایندی دارن...



۳ اکتبر ۲۰۱۲

هنوزم هیچی، ولی لی ژو  
به چیزی گفت که توجهمونو جلب کرد:

«**ایجا یکم زیادی ساکت نیست؟**»



۴ اکتبر ۲۰۱۲

هان چنگ گم شد!  
این باعث ترسیدنمون شد.



کم ترس؟



مثل اینکه اونا توی روستای ارواح  
واقعا به چیزی دیدن...

پس چرا  
اینو نسوزوندن؟



از عمد  
نذارن من  
اینو ببینم...



اگه ترتیب اسمای  
روی عکس یکی  
باشن...

چرخش

اینجا، به حس ترس  
نسبت به دفتر درونم احساس کردم،

ولی مطمئن نبودم  
که این ترس بخاطر چیه.



یه صدایی توکی قلبم بود  
که هیچ بهم هشدار میداد:

پیشتر!

بعدشم فراموشش کن!

(ولی)





قضیه داره جدی میشه،  
هو لو بهویی دیوونه شد...

داره چیخ و داد مینزنه،  
میگه که ارواح ایجان، آگه ایجا  
بمونیم، هممون میمیریم!



عصر، اون ازمون دور شد و به برگه ی قریمز سوزوند.  
بعد از برگشتش، تقریبا خوشحال به نظر میومد، میگفت  
که خدا قبول کرده که بذاره هان چنگ برگردن.

شب که شد، احساس کردم که سایه های زیادی اون  
بیرون. وقتی چراغ قوه رو روشن کردم که چک کنم-



هان چنگ بیرون افتاده بود.

ارواح؟



همچین چیزی؟

快看漫画



۸ اکتبر ۲۰۱۲

صرف نظر از اینکه چجوری  
هان چنگو سوال بیج کردیم، اما کرد که هیچی نمیدونه.

هو لو بازم به کلمذ قرمز دیگه سوزوند  
و به دفعه به چیری اومد به ذهنم:

آدمی که برگشته، خودشه؟

با این فکر، خون توی رگهام بیخ زد

۹ اکتبر ۲۰۱۲

همشون ازم قلم شدن و به مشت برگه ی قرمز سوزوندن.

اینو میدونستم، ولی نمیتونستم  
تحمل کنم که فان فنگ هم همیچین  
کاری کنه، پس به بحث بزرگ باهانش داشتم.

با دیدن اشک هاش، بالاخره آرام شدم.

کاری که کرده بودم،

آرزو هایی که میکرد، چطور میشد ندونمشون؟



ازش معذرتخواهی کردم، و به برگه ی قرمز سوزوندم.

به بار دیگه، کلی سایه دور جارمون ظاهر شدن.  
حتی میتونستم جای دستاشون رو روی جار ببینم.

این شب، دوتامون با دوتا توده ی خاکستر جلومون،  
در سکوت منتظر رسیدن صبح شدیم.



۱۰ اکتبر ۲۰۱۲

تصمیم گرفتیم که حدوداً ۱۰ روز بعد  
از اینکه هدایت این سفر رو شروع کردیم برگردیم.

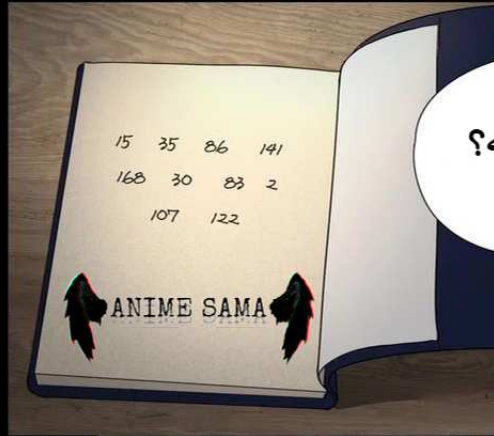
ولی به نظر میومد که من تنها کسیم که نا امید شدم.  
همشون خوشحال بودن، و اینجوری میدنشون  
بلند شد احساس کنم ازشون دورم.

دائم یہ لاسی دانتیم کہ این فقط شروعش بود.



ولی چرا اون اینقدر نسبت به گفتنش  
به من بی میل بودن؟





این چیه؟



عددایی که با  
عجله نوشته شدن؟

快看漫画

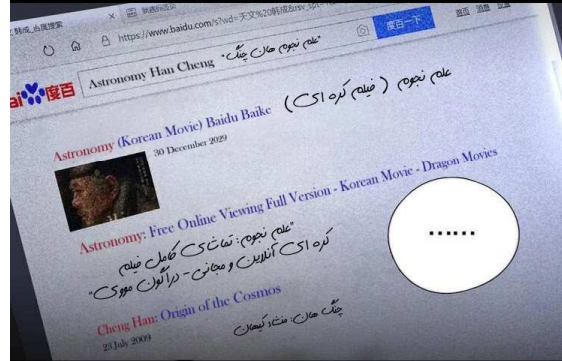
...فراخوان کن.

فقط به شروع کنیم به تحقیق کردن درباره شروع.





یه سرچ سریع باید  
کارو راه بندازه.



لائو چن...



...چن یووی؟

آها! گرفتیم!



هر چیزی که اون گفتن،  
درست بود!



老陈天文-ahis  
http://baijiahao.baidu.com/#fid=16561424880053276713&wfr=spider&for=pc

天文学家陈有为

Astronomy student Cheng Youwei found dead at home

ANIME SAMA

جسد دانش آموز علم نجوم چنگ یوئی در خانه پیدا شد

It has been reported that the academician, Chen YouWei, who was nominated for the Nobel Prize in Astronomy, passed away on 29th of November. The tragic, cruel nature of his death was a shock to the world.

According to witnesses, the deceased was propped standing against a wall when he died. One hand held a knife, while the other held his own head, seemingly sliced off by himself. There were no signs of foul-play at the scene. After police investigation, there were no possibilities of homicide in the case, with the standing position of the deceased person attributed to rigor mortis.

گفته شد است که متحرک ایستاده بود.  
چنگ یوئی، کسی که نوبل  
نجوم را نامزد کرده بود  
در روز ۲۹ نوامبر در خانه خود  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود  
پیدا شد.

تالیف صورت حاکم فاضل، در مقام تحقیق کرده است و در مورد مرگ او  
موردی که یافته شده بود، یک دانشجو چینی را که نامش چنگ یوئی است، در سن ۲۹ سالگی  
توسط اوست که در سن ۲۹ سالگی در خانه خود پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.

Related News

تالیف صورت حاکم فاضل، در مقام تحقیق کرده است و در مورد مرگ او  
موردی که یافته شده بود، یک دانشجو چینی را که نامش چنگ یوئی است، در سن ۲۹ سالگی  
توسط اوست که در سن ۲۹ سالگی در خانه خود پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.



天文學家胡露死亡

天文學家陳有為

Astronomer Hu Lu's death a mystery

مرگ محاسبات نجومی هولو

On the 23rd of May, the body of a woman was found in a toilet of JuChen Square. After investigation, it was revealed that the woman was the famous astronomer, Hu Lu. A friend who worked alongside her claimed that she did not seem abnormal before the incident.

Having left for the bathroom without returning, worried friends immediately went to check on her, only to discover Hu Lu kneeling on the ground, face first in a wash basin full of fresh blood, unbreathing. Her mouth was stuffed full of things she carried on her, including her phone, nail clippers, pens and keys with blood flowing from her throat from a lacerated wound. After police investigation, it was ruled as a suicide, which attracted heated discussion.

در ۲۳ مه در حمام، جسد یک زن  
پیدا شد. پس از تحقیق، مشخص شد که این زن  
دانشمند نجومی معروف، هو لو، است. یک دوستی که در کنار او کار می‌کرد  
گفت که او قبل از این حادثه هیچ مشکلی نداشت.  
پس از رفتن به سرویس بهداشتی و نماندن، دوستان نگران  
فورا به آنجا رفتند تا بررسی کنند، اما فقط هو لو را در حالی که  
روی زمین، رو به پایین در یک سینی آب و خون تازه، بی‌نفس  
پیدا کردند. دهان او پر از وسایلی که همراه او داشت، از جمله  
تلفن همراه، قیچی ناخن، خودکارها و کلیدها با خون  
از گشایش زخمی در گلو، که باعث جاری شدن خون از دهان او شده بود.  
پس از تحقیقات پلیس، این مورد به عنوان خودکشی قلمداد شد،  
که بحث‌های داغی را برانگیخت.

مرگ محاسبات نجومی هولو، در حالی که او در سن ۲۹ سالگی بود،  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.  
پس از تحقیقات، مشخص شد که او در سن ۲۹ سالگی در خانه خود  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.

مرگ محاسبات نجومی هولو، در حالی که او در سن ۲۹ سالگی بود،  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.  
پس از تحقیقات، مشخص شد که او در سن ۲۹ سالگی در خانه خود  
پیدا شد. جسد او در حالی که ایستاده بود پیدا شد.

https://news.qq.com/omn/...  
 网 要闻 娱乐 财经 体育 图片 时尚 军事  
**Astronomy Research Director Li Zhou was killed**  
 مدیر تحقیقات علم نجوم لی ژو کشته شد



On the 15th of August, astronomy research director Li Zhou was found dead in his office. With that day being the first day of opening, it brought large crowds which posed as a great difficulty to the investigation.

Li Zhou was found with many knife wounds on his body, chest completely carved until white bone was exposed, body surrounded by flesh and blood. His death was due to the insertion of a sharp weapon into his heart and excessive blood loss. No fingerprints were found on the weapon other than the victim's own.

لی ژو در روز ۱۵ آگوست در دفترش پیدا شد. او را با زخم‌های کتبی متعدد پیدا کردند که تا استخوان سفید را نمایان کرده بود. بدن او با گوشت و خون احاطه شده بود. مرگ او به دلیل فرو کردن یک سلاح تیز در قلبش و خونریزی شدید بود. هیچ اثر انگشتی روی سلاح پیدا نکردند مگر آنکه متعلق به خودش است.

مرگ او آگوست، مدیر تحقیقات علم نجوم لی ژو کشته شد.  
 در دفترش پیدا شد. چهره او را با زخم‌های کتبی بسیار دیدیم.  
 چهره‌اش زخمی گشته بود که بهشت ستمی بسیار بود.  
 برای تحقیقات پلیس شد.

این چیه...

اینا یعنی چی...



快看漫画



چرا این جوریه...

نمیخوام فکر کنم

نمیخوام  
دیگه درباره ی  
این فکر کنم!

هنوزم به نفر  
دیگه مونده...  
...

اره،  
یه نفر دیگه  
مونده!

آروم باش  
زوشن زه.

ANIME SAMA

برو پیداش کن.  
الان نباید جا بزنی.

نظر میده





گفتی که میخوای  
به نفر به اسم  
هان چنگ پیدا کنی؟



همم... یه سری  
چیزا ازش میدونم،

ده سال پیش،  
اون همکاری پدرم... و ماما بابات بود.  
بعدش یه سری اتفاقا افتاد،  
برای همین دست از مطالعه ی  
نجوم برداشت.



تو اونو  
میشناسی؟

چی؟ همه ی  
دانشجوهای موسسه  
تحقیقاتی میدونن،  
نشنیدی؟

آه، اون-



ده سال پیش به یه  
بیمارستان روانی رفت.

# سرنخ ها الان ظاهر شدن،

به دنبال این همه مرگ تراژیک،

